



The Principle of Gradualism in the Guiding System of the Quran and Its Comparison with the Theory of Gradual-Incremental Decision-Making*

Seyyed Amanollah Hassani*

Abstract

This paper investigates the principle of gradualism within the framework of the Quranic guidance system and contrasts it with the incremental decision-making model. Effective decision-making is crucial for implementing positive organisational changes; the incremental decision-making model has been suggested as a practical strategy for addressing organisational issues. This theory stresses the significance of incremental adjustments, which can enhance decision-making processes in the face of diverse constraints. In this context, the Quranic concept of gradualism is understood as a foundational principle for guiding individuals and fostering social development, offering a religious perspective on organisational theories. This study's results indicate commonalities between the two methods, encompassing a concentration on incremental change, adaptability to circumstances and limitations, and the persistence of procedures. Significant disparities were also observed. According to the Qur'anic perspective, gradualism is seen as a means to achieve profound reform and to guide individuals towards a state of perfection, whereas it typically prioritises the retention of power and its implementation through incremental changes. This research, conducted using a descriptive-analytical methodology, enhances organisational knowledge through the lens of religious teachings, specifically in terms of decision-making and social transformation.

Keywords: Decision-Making, Incremental, Gradual, Incremental Decision-Making, Gradual Change, Principle of Gradualism in the Quran.

*. Received: ۰۷/۰۳/۱۴۰۳ SH (۲۷/۰۵/۲۰۲۴ CE) and Accepted: ۲۲/۰۴/۱۴۰۳ SH (۱۲/۰۷/۲۰۲۴ CE).

*. PhD in Quran and Management, Al-Mustafa International University, Qom, Iran: amanhassani^{۹۲}@gmail.com.



اصل تدریج در نظام هدایتی قرآن و مقایسه آن با نظریه تصمیم‌گیری جزئی - تدریجی*

سید امان‌الله حسنی*

چکیده

این مقاله به بررسی اصل تدریج در نظام هدایتی قرآن کریم و مقایسه آن با نظریه تصمیم‌گیری جزئی - تدریجی می‌پردازد. با توجه به اهمیت تصمیم‌گیری مؤثر در ایجاد تغییرات مثبت سازمانی، مدل تصمیم‌گیری جزئی - تدریجی به عنوان رویکردی کارآمد برای حل مسائل سازمانی پیشنهاد شده است. این نظریه بر تغییرات کوچک و تدریجی تأکید دارد و می‌تواند فرآیندهای تصمیم‌گیری را تحت محدودیت‌های مختلف بهبود بخشد. در این میان، اصل تدریج‌گرایی در قرآن به عنوان روشی اساسی برای هدایت افراد و ارتقای پیشرفت اجتماعی شناخته شده است که می‌تواند بینش‌های دینی را به نظریه‌های مدیریتی ارائه دهد. یافته‌های این مطالعه شباهت‌هایی را بین هر دو رویکرد از جمله تأکید بر تغییر تدریجی، پاسخگویی به شرایط و محدودیت‌ها و تداوم فرآیندها نشان می‌دهد. با این حال، تفاوت‌های اساسی نیز وجود دارد. دیدگاه قرآنی تدریج‌گرایی را ابزاری برای اصلاحات بنیادین و هدایت بشریت به سوی کمال می‌داند، در حالی که تصمیم‌گیری تدریجی عمدتاً بر حفظ وضع موجود و اعمال تغییرات جزئی متمرکز است. این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی انجام شده و نتایج آن به غنی‌سازی دانش مدیریتی بر اساس آموزه‌های دینی در حوزه‌های تصمیم‌گیری و تحول اجتماعی کمک نماید.

کلیدواژگان: تصمیم‌گیری، جزئی، تدریجی، تصمیم‌گیری جزئی تدریجی، تغییر جزئی تدریجی، اصل تدریج در قرآن

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۳/۰۷ و تاریخ تأیید: ۱۴۰۳/۴/۲۲

* دکتری قرآن و مدیریت جامعه المصطفی العالمیه، ایران قم: amanhassani۹۲@gmail.com



بیان مسئله

در ادبیات مدیریت، نظریه‌های تصمیم‌گیری به‌ویژه در شرایط پیچیده و محیط‌های متغیر، مورد توجه قرار گرفته‌اند. یکی از چالش‌های اساسی در این زمینه، دستیابی به مدلی است که بتواند با توازن بین جزئیات و کل‌نگری، فرآیند تصمیم‌گیری را به‌گونه‌ای سامان دهد که نتایج پایدار و مؤثر را به همراه داشته باشد. نظریه تصمیم‌گیری جزئی - تدریجی، که توسط چارلز لیندبلوم توسعه یافته است، به عنوان یکی از راه‌حل‌های پیشنهادی برای این چالش مطرح شده و بر تغییرات کوچک و تدریجی در سیاست‌ها و برنامه‌های سازمان تأکید دارد.

از سوی دیگر، در قرآن کریم نیز اصل تدریج به عنوان یکی از روش‌های کلیدی برای هدایت و آموزش انسان‌ها به کار رفته است. این اصل، بر ارائه آموزه‌های دینی و اخلاقی به صورت مرحله‌به‌مرحله و متناسب با ظرفیت مخاطب تأکید می‌کند و به افراد امکان می‌دهد که به تدریج با دستورات دینی آشنا شوند و در مسیر تکامل فردی و اجتماعی حرکت کنند. این رویکرد تدریجی را می‌توان در بسیاری از آیاتی که بیانگر سیاست‌های هدایتی پیامبران الهی، تشریح احکام و قوانین الهی و حتی در تغییراتی که مربوط به نظام هستی است، مشاهده کرد.

در واقع، هر دو رویکرد، چه در حوزه مدیریت و چه در آموزه‌های قرآنی، بر تدریجی بودن فرآیند تغییر و تصمیم‌گیری تأکید دارند؛ با این تفاوت که در قرآن، این تدریج به صورت جامع‌تری و در سطح هدایت انسان‌ها به سوی اهداف معنوی و اخلاقی مطرح شده است، در حالی که در مدیریت، بیشتر به تغییرات جزئی و مرحله‌ای در فرآیندهای سازمانی معطوف است.



مسئله اصلی این مقاله بررسی و تحلیل تطبیقی اصل تدریج در نظام هدایتی قرآن کریم با نظریه تصمیم‌گیری جزئی - تدریجی است. در این بررسی، تلاش می‌شود تا ویژگی‌های هر دو رویکرد مورد تحلیل قرار گیرد و شباهت‌ها و تفاوت‌های اصلی میان آن‌ها روشن شود.

پژوهش‌های موجود که به بسط نظریه تصمیم‌گیری جزئی - تدریجی پرداخته‌اند، عمدتاً این موضوع را از منظر مدیریتی بررسی کرده‌اند و تاکنون پژوهشی که این نظریه را با رویکرد قرآنی تطبیق دهد، انجام نشده است. این پژوهش بر این فرض استوار است که اصل تدریج در قرآن کریم، به دلیل تکیه بر فطرت انسانی و توجه به ظرفیت‌های متنوع افراد، رویکردی جامع و انعطاف‌پذیرتر است که می‌تواند نه تنها در حوزه‌های تربیتی و اخلاقی، بلکه در مسائل اداری و سازمانی نیز به کار رود. این رویکرد قرآنی می‌تواند به‌عنوان یک دیدگاه کامل‌تر نسبت به نظریه تصمیم‌گیری جزئی - تدریجی در مدیریت مطرح شود.

هدف این مقاله آن است که روشن سازد چگونه اصل تدریج، با توجه به آموزه‌های قرآن کریم، می‌تواند به‌طور مؤثر در سازمان‌ها به کار گرفته شود و به‌عنوان یک ابزار کلیدی برای مدیریت تغییرات و تحولات مطلوب و مورد پسند مورد استفاده قرار گیرد. از نظر نظری، این پژوهش می‌تواند به توسعه نظریه‌های تصمیم‌گیری مدیریتی کمک کند و با ارائه یک رویکرد ترکیبی از اصول قرآنی و مدیریتی، ابعاد جدیدی را به ادبیات مدیریت اضافه کند. از نظر کاربردی، نتایج این پژوهش می‌تواند به مدیران و تصمیم‌گیرندگان کمک کند تا با استفاده از روش‌های تدریجی و مرحله‌به‌مرحله در فرآیند تصمیم‌گیری خود، به نتایج مؤثرتر و پایدارتری دست یابند.

مفاهیم پژوهش



معانی واژه‌هایی که به عنوان مفاهیم اصلی در این پژوهش شناخته می‌شوند به شرح زیر

است:

۱-۲. تصمیم‌گیری

تصمیم‌گیری به‌عنوان فرآیندی تعریف می‌شود که طی آن، برای حل یک مسئله یا مشکل خاص، یک راه‌حل یا شیوه عمل انتخاب می‌گردد. برخی از نویسندگان تصمیم‌گیری را یک فرایند انتخاب راه‌حل برای یک مسئله معین می‌دانند (رضائیان: ۱۳۸۷). در تعریف دیگر تصمیم‌گیری گزینش یک شیوه خاص به‌منظور حل یک مشکل ویژه توصیف شده است (علاقه بند: ۱۳۸۵). الوانی، در بیان ساده‌تر، آن را انتخاب یک راه از میان چندین راه ممکن بیان می‌کند (الوانی: ۱۳۸۶).

به صورت کلی می‌توان چنین بیان کرد که تصمیم‌گیری به‌عنوان فرآیندی تعریف می‌شود که در آن فرد یا گروهی از افراد با شناسایی یک مشکل یا موقعیت خاص، گزینه‌های موجود را ارزیابی کرده و با انتخاب یک راه‌حل مشخص، اقدام به تغییر دادن وضعیت فعلی به وضعیت مطلوب می‌کنند. این فرآیند شامل بررسی مزایا و معایب هر گزینه و در نهایت انتخاب راهی است که منجر به بهبود و تغییر در شرایط موجود می‌گردد. آنچه در این پژوهش مدنظر است، نیز تأکید بر بعد تغییر و تحول‌آفرینی تصمیم‌گیری است.

۲-۲. جزئی

واژه «جزئی» که از جزء گرفته شده است. جزء به معنای بخش، قسمت، یا پاره‌ای از چیزی را می‌گویند (عمید، ذیل واژه) که به موارد یا ابعاد کوچک‌تر و محدودتری از یک چیز و در مقابل کل به کار می‌رود. (معین، ذیل واژه). بنابراین جزئی به عناصر یا قسمت‌هایی گفته



می‌شود که به طور کلی بخشی از یک کل هستند و ممکن است در مقایسه با کل، اهمیت کمتری داشته باشند.

وقتی از تغییرات جزئی در یک برنامه یا سیاست سخن گفته می‌شود، به تغییرات کوچک و محدود اشاره دارد که بخشی از یک کل را دگرگون می‌کند و به یکباره کل آن را تغییر نمی‌دهد، هرچند که به مرور زمان موجب از بین رفتن یا تغییر کامل آن گردد. در این پژوهش نیز همین معنا مراد است.

۳-۲. تدریجی

«تدریجی» صفت نسبی منسوب به «تدریج» است و به معنای پیشرفت یا انجام یک کار به آهستگی و پیوسته است. به این ترتیب، «عمل تدریجی» به فعالیتی اشاره دارد که به‌طور آرام و مرحله‌به‌مرحله انجام می‌شود. این مفهوم در مقابل «دفعی» قرار می‌گیرد که به کارهایی اشاره دارد که به‌طور ناگهانی و بدون گذراندن مراحل پیشین انجام می‌پذیرد. (دهخدا، ۱۳۷۷: ذیل واژه). این نوع حرکت می‌تواند به کامل شدن چیزی یا ارتقاء و بالا رفتن در مکان، عمل یا معنا منجر شود. به‌عنوان نمونه، گام نهادن کودک یا شخص پیر که با کمک گرفتن از مربی خود حرکت می‌کنند یا تا کردن لباس که به‌طور تدریجی انجام می‌شود تا به شکل نهایی و کامل خود برسد، نمونه‌هایی از حرکات تدریجی است.

آیاتی از قرآن کریم که مشتقات این واژه در آن‌ها به کار رفته‌اند مانند: «وَلِلرَّجَالِ عَلَیْهِنَّ دَرَجَةٌ» (بقره/ ۲۲۸) و «فَضَّلَ اللّٰهُ الْمُجَاهِدِیْنَ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ عَلَی الْقَاعِدِیْنَ دَرَجَةً» (نساء/ ۹۵)، همچنین «وَلِكُلِّ دَرَجَاتٍ مِّمَّا عَمِلُوا» (أنعام/ ۱۳۲) و «یَرْفَعُ اللّٰهُ الَّذِیْنَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِیْنَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ» (مجادلة/ ۱۱)، به خوبی بیانگر آن هستند که مفهوم «رفع» با مفهوم «درجه» ارتباط دارد. بنابراین واژه



درجه در مواردی به کار می‌رود که حرکت صعودی تدریجی تحقق یابد. (ر.ک: مصطفوی، ج ۳، صص ۲۱۰-۲۱۴).

آنچه در این پژوهش از معنای تدریج مراد است، فرآیندی در ایجاد تغییر یا تصمیماتی است که با دقت و احتیاط، به صورت مرحله‌ای و با هدف دستیابی به رشد و ارتقای سازمان در ابعاد مختلف صورت می‌گیرد.

۲-۴. ادبیات نظری

اصل تدریج به عنوان یکی از اصل مهم در نظام هدایتی قرآن کریم شناخته می‌شود. اندیشمندانی که در حوزه نظام تربیت قلم زده‌اند، این اصل را به عنوان یکی از اصول تعلیم و تربیت بیان کرده‌اند (روحی برندق و همکاران، ۱۴۰۰، صص ۶-۸) در این رویکرد تدریج (Gradation) به معنای تغییر تدریجی یا مرحله به مرحله اما به صورت مداوم و پیوسته است. تدریج گرایی مکتبی است که قابل رشد و تکامل به طور تدریجی صورت می‌گیرد و طفره و ناگهانی در آن وجود ندارد. در این نظریه اعتقاد بر آن است که پیشرفت به صورت آرام و تدریجی صورت می‌گیرد (شعاری نژاد، ۱۳۶۴: صص ۱۸۲-۱۸۳)

در نگاه قابسی، اصل تدریج با عنوان تدریج در آموزش بیان می‌شود که معلم باید مراحل را برای آموزش در نظر بگیرد و تا مرحله‌ای به پایان نرسد، وارد مرحله بعدی نشود (اعرافی، ۱۳۷۷: ج ۱، صص ۱۵۱-۱۵۳).

فارابی از اندیشمندان مشهور مسلمان، نیز این اصل را در آموزش مورد بحث قرار داده و از منظر او اصل تدریج در آموزش به معنای آن است که آموزش افراد از آسان‌تر به آسان و از آسان به دشوار انجام شود (رفیعی، ۱۳۹۲: صص ۳۹). در نگاه غزالی، تکوین هستی و آفرینش انسان



و تشریح شرایع مبتنی بر این اصل می‌داند و در امر آموزش باید از این اصل الهام گرفته شود (بختیار نصرآبادی، ۱۳۸۶: ص ۲۱۰).

یکی دیگر از نویسندگان این مسئله را در قالب اصل تدریج و تداوم بیان کرده و اعتقاد دارد که شخصیت آدمی به تدریج ساخته می‌شود و گفتار و رفتار کم‌کم اثر می‌گذارد و در عمق جان نفوذ می‌کند و انجام یک یا چند عمل نیک، نمی‌تواند شخصیت آدمی را بسازد، بلکه تکرار رفتار و کردار به تدریج و در طول زمان شخصیت را قالب می‌زند (بهشتی، ۱۳۸۰: ج ۴، ص ۵۳).

روش پژوهش

در این پژوهش، روش تحلیلی توصیفی با شیوه استنادی به‌عنوان روش‌شناسی تحقیق انتخاب شده است. این روش به‌طور عمده بر تحلیل دقیق داده‌ها و توصیف ویژگی‌ها و جوانب مختلف موضوع مورد بررسی تمرکز دارد. در ابتدا، پژوهشگران به گردآوری و بررسی اطلاعات و منابع معتبر مرتبط با اصل تدریج در قرآن کریم و نظریه تصمیم‌گیری جزئی - تدریجی پرداخته و سپس این داده‌ها را به‌طور سیستماتیک تحلیل می‌کنند. هدف از این تحلیل، شناسایی شباهت‌ها، تفاوت‌ها و کاربردهای عملی هر یک از رویکردها در زمینه‌های مختلف است.

روش تحلیلی توصیفی به پژوهشگران این امکان را می‌دهد که با تجزیه و تحلیل جامع و عمیق اطلاعات، به درک کامل‌تری از موضوع برسند. این روش به کمک تجزیه و تحلیل داده‌ها و شواهد موجود، به توصیف و بررسی دقیق ویژگی‌ها و ابعاد مختلف موضوع می‌پردازد. در این فرآیند، تمرکز بر استخراج و تحلیل نکات کلیدی و مهم از منابع موجود به‌منظور ارائه یک نمای کلی و دقیق از موضوع است.



شیوه استنادی نیز به‌عنوان بخشی از روش‌شناسی تحقیق، نقش مهمی در اعتبارسنجی و تقویت نتایج تحقیق ایفا می‌کند. با استفاده از منابع و مراجع معتبر، پژوهشگران به بررسی و مقایسه نظریه‌ها و رویکردهای مختلف می‌پردازند و از این طریق به تحلیل دقیق‌تری از اصل تدریج و نظریه تصمیم‌گیری جزئی - تدریجی دست می‌یابند. این شیوه به تأیید و اعتبار بخشیدن به یافته‌ها و تحلیل‌های تحقیق کمک کرده و اطمینان حاصل می‌کند که نتایج به‌دست آمده بر پایه داده‌ها و منابع معتبر استوار است.

یافته‌های پژوهش

یافته‌های این سیر پژوهشی بیانگر آن است که قرآن کریم تدریج را به‌عنوان یک اصل بنیادین در فرآیند تغییرات اجتماعی و اصلاحات انسانی به رسمیت شناخته است. این اصل، به‌ویژه در فرآیند هدایت، تشریح قوانین و تبیین احکام دینی به کار گرفته شده است و به‌طور گسترده در آیات قرآن مشاهده می‌شود. این روند نه تنها به دلیل سهولت در پذیرش و اجرای تغییرات، بلکه به‌منظور ارتقای پایدار و مؤثر در جامعه اسلامی طراحی شده است.

۱-۴. مدل تصمیم‌گیری جزئی - تدریجی

یکی از حوزه‌های دانشی که به مسئله تدریج پرداخته است، دانش مدیریت است. جایگاه این مسئله، در ادبیات مدیریتی در بحث تصمیم‌گیری مطرح است که در قالب یکی از نظریات مطرح در این زمینه با عنوان تصمیم‌گیری جزئی - تدریجی (Incremental Decision-Making) توسط چارلز ادوارد لیندبلم (۱۹۱۷-۲۰۱۸) ارائه گردیده است (Braybrooke and Lindblom, ۱۹۶۳. p: ۸۵). **این مدل از تصمیم‌گیری** به فرآیندی اشاره دارد که بر اساس تغییرات کوچک و تدریجی عمل می‌کند و به جای ایجاد تغییرات بنیادی و گسترده، به تدریج و گام‌به‌گام به اصلاح و بهبود وضع موجود می‌پردازد. در این مدل، تصمیم‌گیرندگان تغییرات



را به تدریج و با توجه به وضعیت فعلی انجام می‌دهند و معمولاً از اصلاحات کوچک و محدود به عنوان راهی برای رسیدن به اهداف استفاده می‌کنند.

تصمیم‌گیری جزئی-تدریجی در دسته‌بندی نظریات تصمیم‌گیری، به جای رویکردهای عقلایی مطلق، در گروه رویکردهای عقلایی تعدیل‌شده قرار می‌گیرد و به نقد مدل‌های عقلانیت مطلق پرداخته است. ارائه‌دهندگان این نظریه بر این باورند که مدل عقلانیت مطلق با چالش‌های گوناگونی از جمله تغییرات سریع و انقلابی روبه‌رو است (Braybrooke and Lindblom, ۱۹۶۳, p: ۸۵). این مدل، که به عنوان «مدل رویشی تصمیم‌گیری» نیز شناخته می‌شود، توسط خالق آن به عنوان «علم هدایت از دل آشفتگی‌ها» توصیف شده است (عباس‌پور، ۱۳۸۲: ص ۳۸).

او بر این نکته تأکید می‌کند که مدیران اغلب زمان زیادی را در آشفتگی به تحلیل نظام‌مند اهداف و ابزارها می‌گذرانند و به دلیل محدودیت‌های ظرفیت ذهنی، از عقلانیت کاملاً بهره‌مند نیستند. مدیران بر اساس اطلاعات ناقص و تنها با دسترسی به بخشی از کل اطلاعات، تصمیم‌گیری می‌کنند. محدودیت‌های عقلانیت و اطلاعات باعث می‌شود که امکان اتخاذ تصمیمات جامع و کامل از آن‌ها سلب شود. برای مواجهه با این محدودیت‌ها، تصمیم‌گیری تدریجی پیشنهاد می‌شود، به این معنا که در هر مرحله، تصمیمی اتخاذ می‌شود که هرچند ممکن است کامل نباشد، اما در شرایط کنونی پاسخگوی مسئله است. در طول زمان و با ارزیابی مداوم شرایط، می‌توان به تدریج به یک تصمیم جامع و کامل دست یافت. بنابراین، نمی‌توان برای یک مسئله تنها یک بار و برای همیشه تصمیم‌گیری کرد، بلکه باید با رویکرد تدریجی و در هر مرحله، تصمیمات سودمند و مناسب اتخاذ شود و سپس این تصمیمات در یک فرآیند تکاملی و مقایسه‌ای دنبال شوند (Lindblom ۱۹۵۹, Vol ۱۹, p: ۷۹-۸۰).



در این مدل، سیاست‌گذاری بر مجموعه‌ای محدود و دامنه‌باریکی از گزینه‌ها متکی است. مضاف بر اینکه این مدل معتقد به تغییرات اندک، تدریجی و حفظ وضع موجود و تداوم فعالیت‌های گذشته است، نه اهداف انتزاعی بلندپروازانه و تغییرات شدید. در این مدل، سیاست‌گذاران ترجیح می‌دهند که با سیاست‌های حاضر همراه باشند تا به استقبال برنامه‌های جدید با پیامدهای نامشخص بروند. (الوانی و شریف‌زاده، ۱۳۸۶: ص ۱۲۰). این مدل در وهله نخست متمرکز بر تأثیرات و نتایج کوتاه‌مدت و پیامدهای مهم اجرا است و توجه چندانی به روش‌های کمی و محاسبه هزینه و فایده ندارد. (Milkovich, M. E. and Gordons, G. J., ۲۰۰۱: p. ۱۲۲.)

به‌طور معمول سیاست‌های کلان در دو طیف «تغییر زیاد/ اجماع اندک» و «تغییر اندک/ اجماع زیاد» قابل مشاهده‌اند. برنامه‌هایی که نیازمند تغییرات زیاد هستند، بالطبع منجر به درگیری و منازعه بر سر اهداف در میان بازیگران مرتبط خواهد شد، در حالی که اجماع در زمانی که تغییرات اندکی مدنظر است بیشتر قابل حصول خواهد بود. سیاست‌های دارای تغییر زیاد/ اجماع اندک، از خلال مباحثات و مجادلات بسیاری بیرون می‌آید. مانند سیاست‌های مربوط به قوانین اصلاح ساختارهای بوروکراتیک یا یارانه‌ها. در مقابل منازعاتی که سیاست‌های با تغییر کم حاصل می‌کنند بسیار اندک است. در واقع، مدل جزئی - تدریجی به محدودیت‌های اطلاعاتی، هزینه‌ای و زمانی اشاره دارد که تصمیم‌گیرندگان با آن مواجه هستند. این مدل به جای تغییرات وسیع و ناگهانی، بر تغییرات تدریجی و کوچک تمرکز دارد و به‌طور کلی در شرایطی که اطلاعات محدود است یا تغییرات پیوسته وجود دارد، به کار می‌رود. (Braybrooke and Lindblom, ۱۹۶۳. p: ۸۵).

طرفداران نظریه تصمیم‌گیری جزئی - تدریجی عقیده دارند که این نظریه از مزایای بسیاری برخوردار است از جمله اینکه:



- ۱- این مدل امکان جمع‌آوری و تحلیل اطلاعات بیشتر را فراهم می‌کند.
- ۲- به افراد اجازه می‌دهد تصمیمات را در حین پیشرفت بررسی و اعتبارسنجی کنند.
- ۳- امکان افزایش انعطاف‌پذیری دارد به این معنا که به افراد کمک می‌کند تا با تغییرات موقتی یا ناگهانی بهتر برخورد کنند.
- ۴- به شناسایی اثرات پیش‌بینی نشده کمک می‌کند.
- ۵- امکان استفاده از تجربیات گذشته را در تصمیم‌گیری‌های جدید فراهم می‌آورد.
- ۶- تغییرات جزئی عملی‌تر از تغییرات کلی هستند.
- ۷- میزان مخاطره در تصمیم‌گیری جزئی اندک است. (Kaufman, H. ۱۹۷۱. Braybrooke and Lindblom, ۱۹۶۳. Lindblom, C. E. ۱۹۶۵)

مدل جزئی - تدریجی با انتقادات متعددی نیز مواجه شده است. از جمله، ناتوانی در توضیح کامل سیاست‌ها و رقابت‌های گروه‌های ذینفع، عدم ارائه مرز روشن بین تغییرات تدریجی و سریع، و عدم درک مناسب از تقابل ارزش‌ها و اهداف. همچنین، انتقادات به این مدل اشاره دارند که به دلیل تأکید بر تغییرات جزئی، ممکن است باعث «باتلاق سیاست‌ها» شده و نتواند بازسازی‌های کلی را انجام دهد.

با این حال، لیندبلم معتقد است که این مدل نه تنها حافظ نظم موجود نیست، بلکه تغییرات بزرگ در سیاست‌ها و ایده‌ها می‌تواند از تغییرات کوچک ناشی شود. این مدل از زمان ارائه آن در دهه ۱۹۶۰ به عنوان مدل غالب در درک سیاست‌گذاری عمومی باقی مانده است. (Kaufman, H. ۱۹۷۱. Braybrooke and Lindblom, ۱۹۶۳. Lindblom, C. E. ۱۹۶۵)

در جمع‌بندی مطالب می‌توان این‌گونه بیان کرد که جوهره یا مؤلفه‌های اساسی نظریه تصمیم‌گیری جزئی - تدریجی به شرح زیر است:



- ۱- رویکرد فعال و پویا نسبت به مسائل و شرایط محیطی و سازمانی: نظریه تصمیم‌گیری جزئی - تدریجی به مسائل و شرایط به صورت فعال و پویا نگاه می‌کند. این رویکرد به مدیران این امکان را می‌دهد که با تغییرات محیطی و سازمانی به طور مداوم سازگار شوند و به جای تکیه بر تغییرات بزرگ و ناگهانی، با توجه به شرایط متغیر، تصمیمات خود را تنظیم کنند.
- ۲- تلفیق نگرش جزئی با نگرش سیستماتیک: در این نظریه، توجه به کل سیستم همراه با آغاز تغییرات از اجزای کوچک و تدریجی مورد نظر است. به این معنی که تغییرات ابتدا در سطوح جزئی و محدود آغاز می‌شود، اما با هدف نهایی و کلی مدنظر به طور سیستماتیک پیش می‌رود. این رویکرد به مدیران کمک می‌کند تا به طور تدریجی و با کنترل بیشتر به اهداف بزرگ دست یابند.
- ۳- تمرکز و تأکید بر تجربه گذشته به عنوان سرمایه برای تحول و توسعه آینده: نظریه تصمیم‌گیری جزئی - تدریجی بر اهمیت بهره‌برداری از تجربیات و داده‌های گذشته تأکید دارد. این نظریه معتقد است که برای ایجاد تغییرات مؤثر و پایدار در آینده، باید از تحلیل و ارزیابی‌های گذشته استفاده شود. این روند به مدیران کمک می‌کند تا بر اساس تجربیات قبلی، تصمیمات بهتری برای تحول و توسعه آینده اتخاذ کنند.
- ۴- مدل مناسب برای تغییرات بزرگ و کلی: از آنجا که تغییرات کلان و بزرگ به صورت دفعی و ناگهانی ممکن است مشکلات و شکست‌هایی را به همراه داشته باشد، نظریه تصمیم‌گیری جزئی - تدریجی به عنوان مدل مناسب برای مدیریت تغییرات گسترده و اساسی در نظر گرفته می‌شود. این مدل به مدیران امکان می‌دهد تا تغییرات را به صورت تدریجی و مرحله‌ای پیاده‌سازی کنند، که به طور مؤثری باعث کاهش خطرات و بهبود موفقیت‌های تغییرات بزرگ می‌شود.



۵- قابلیت اجرا در عرصه عمل: این نظریه امروزه در برخی از سیستم‌های مدیریتی به کار گرفته شده و موفق عمل کرده است. به عنوان مثال سیستم مدیریتی ژاپن، به‌ویژه در بخش منابع انسانی، به‌طور قابل توجهی تحت تأثیر ارزش‌ها و شیوه‌های گذشته استوار است. در مدیریت ژاپنی، فرآیندها و تصمیمات شغلی به‌گونه‌ای طراحی و اجرا می‌شوند که به‌سادگی آینده شغلی و سازمانی هر فرد را بر مبنای عملکرد و روند گذشته‌اش پیش‌بینی کنند. به عبارت دیگر، این سیستم به‌جای تمرکز بر تغییرات سریع و نوآوری‌های جدید، به‌طور عمده به بررسی و تحلیل تاریخچه عملکرد کارکنان و شواهد پیشین توجه می‌کند.

۴-۲. اصل تدریج در آموزه‌های قرآنی

قرآن کریم به‌عنوان کتاب هدایت و راهنمای زندگی مسلمانان، به‌طور مؤکد به اصل تدریج در فرآیندهای آموزشی، تشریعی و اصلاحی تأکید دارد. برای درک بهتر این اصل و کاربردهای آن، موارد مختلفی از آیات قرآنی که به این رویکرد اشاره دارند، مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرند. این بررسی‌ها نشان‌دهنده اهمیت این رویکرد در آموزه‌های قرآنی است.

۴-۲-۱. کمال تدریجی شریعت

کمال تدریجی شریعت به این مفهوم است که ادیان الهی در طول زمان، به صورت پیوسته و مرحله‌به‌مرحله تکامل یافته‌اند. انبیای الهی به‌عنوان معلمان بشریت، هر کدام شریعتی متناسب با زمان و نیازهای بشری ارائه کردند و هر پیامبر راهنمای بشریت به سوی مراحل بعدی تکامل بود. به همین ترتیب، هر شریعت جدید نسبت به شریعت پیشین کامل‌تر و پیشرفته‌تر بوده است. قرآن کریم به این سنت الهی اشاره دارد و بیان می‌کند که هر نسخی در آیات الهی به‌گونه‌ای رخ می‌دهد که آیه جدید از آیه قبلی بهتر یا هم‌سطح آن است: «ما ننسخ من آیه او



نسخه‌ها نات بخیر منها او مثلها» (بقره/۱۰۶). بنابراین، شرایع و پیامبران الهی مصادیقی از آیات الهی هستند که به تدریج موجب رشد و تعالی انسان‌ها شده‌اند.

در همین راستا، علامه طباطبایی در تفسیر المیزان به این نکته اشاره می‌کند که هر پیامبر جدید، ناسخ پیامبر قبلی است، به این معنا که پیامبران به‌عنوان آیات الهی نقش انتقال‌دهنده و تکامل‌دهنده مسیر بشر را بر عهده داشته‌اند. این روند تکاملی تا زمانی ادامه یافت که دین به کامل‌ترین مرحله خود رسید. (ر. ک: طباطبایی، ج ۱، ص ۳۸۱). این کمال در واقعه غدیر خم متجلی شد، جایی که خداوند اعلام کرد: «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا» (مائده: ۳). آنچه در شأن نزول این آیه بیان شده و مفسران نیز اذعان کرده‌اند، این است که آیه در روزهای آخر عمر پیامبر گرامی اسلام (ص) نازل شده است. زمانی که آن حضرت در مسیر حجة الوداع و در مکان غدیر خم، امام علی (ع) را به عنوان جانشین خویش معرفی کرده است، این آیه نازل شده است (ر. ک: فخر رازی ۱۴۲۰، ج ۱۱، ص ۲۸۸؛ طوسی، بی‌تا، ج ۳، ص ۴۳۶؛ طبرسی، بی‌تا، ج ۶، ص ۲۰۲؛ مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۱ ج ۴، ص ۲۶۴).

در این آیه، خداوند به مسلمانان اعلام می‌کند که دینشان را کامل کرده و نعمت‌هایش را بر آنان به اتمام رسانده است. این آیه نشان‌دهنده نقطه اوج کمال شریعت است که نتیجه تلاش ۱۲۴ هزار پیامبر در شکل‌گیری دین اسلام به‌عنوان دین کامل و نهایی برای هدایت بشریت به ارمغان آمده است.

۴-۲-۴. نزول تدریجی قرآن

نزول تدریجی قرآن یکی از ویژگی‌های برجسته وحی الهی است که به‌منظور هدایت بشر و تسهیل درک و پذیرش پیام‌های الهی انجام شده است. قرآن کریم در آیه ۱۰۶ سوره اسراء به این ویژگی اشاره می‌کند: «وَقُرْآنًا فَرَقْنَاهُ لِتَقْرَأَهُ عَلَى النَّاسِ عَلَى مُكْثٍ وَنَزَّلْنَاهُ تَنْزِيلًا» (اسراء/



۱۰۶). واژه «تنزیل» که در این آیه به کار رفته است، به معنای نازل شدن تدریجی و مرحله‌به‌مرحله وحی است. زمخشری و برخی دیگر از مفسران، معتقدند که «تنزیل» به معنای تدریج است، در حالی که واژه «انزال» بر نزول یک‌باره دلالت دارد (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۶۹۹؛ طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۳، ص ۳۰۶؛ جوادی آملی، ج ۱۳، ص ۵۷).

جوادی آملی می‌گوید: قرآن کریم مجموعه قوانینی است که برای اداره شئون مختلف حیات انسانی در مناسبت‌های جنگ و صلح، مجادله و محاجه و سایر نیازها و حوادث در بیست‌وسه سال آمده است و چنین کتابی مانند زبور داود (علیه‌السلام) مجموعه‌ای از مواعظ نیست که یک‌باره نازل شده باشد، بدین جهت در این آیه برای بیان نزول تدریجی قرآن (نَزَلَ) به کار رفته است؛ ولی در آیه هفتم که اصل نزول قرآن کریم و جنبه جمعی آن مراد است، (أُنزِلَ) آمده است (جوادی آملی، ج ۱۳، ص ۵۸).

این تفاوت میان این دو واژه، در نزول قرآن که به مدت ۲۳ سال به تدریج بر پیامبر اکرم (ص) نازل شد، به خوبی مشاهده می‌شود. براین اساس، تدریج در نزول قرآن از چند جنبه اهمیت دارد. یکی از مهم‌ترین دلایل نزول تدریجی، همان‌طور که در سوره فرقان (آیه ۳۲) ذکر شده، تثبیت قلب پیامبر اکرم (ص) و همراهی بهتر با شرایط و نیازهای اجتماعی بود: «وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ الْقُرْآنُ جُمْلَةً وَاحِدَةً كَذَلِكَ لِنُثَبِّتَ بِهِ فُؤَادَكَ وَرَتَّلْنَاهُ تَرْتِيلًا». این تدریجی بودن وحی به پیامبر فرصت داد تا پیام‌های الهی را به آرامی به مردم عرضه کند و آن‌ها را در طول زمان با مفاهیم دین آشنا سازد. به همین دلیل، هر بخش از قرآن که نازل می‌شد، به‌طور دقیق با رویدادهای خاص آن دوره مطابقت داشت و به نیازهای روزمره مردم پاسخ می‌داد.

شهید مطهری نیز در تحلیل خود از «تنزیل» به این نکته اشاره می‌کند که نزول تدریجی قرآن، همواره متناسب با رشد عقلی و روحی انسان‌ها بوده است. او بر این باور است که نزول قرآن به‌صورت تدریجی کمک می‌کرد که پیام الهی به‌طور عمقی در جان انسان‌ها نفوذ کند.



از سوی دیگر، این نزول مرحله‌ای به پیامبر اجازه می‌داد تا در هر موقعیت خاص، راهنمایی دقیق و مناسب برای مشکلات و نیازهای مردم ارائه دهد (مطهری، بی تا، ج ۷، ص ۶۱).

از دیگر شواهدی که بر این مسئله وجود دارد آن است که آیاتی که در مکه نازل شده‌اند، معمولاً به صورت اجمالی و سر بسته مسائل را بیان می‌کنند. اما پس از هجرت پیامبر به مدینه، این آموزه‌ها به تفصیل تشریح شده و جزئیات بیشتری از احکام و دستورات دینی ارائه شده است. علامه طباطبایی در این باره می‌گوید که قرآن در مکه اصول و کلیات دین را بیان کرده و در مدینه به توضیح جزئیات آن پرداخته است. (ر.ک: جوادی آملی، ۱۳۹۰: ج ۱۷، ص ۸۰)

به طور کلی، نزول تدریجی قرآن به عنوان یک برنامه الهی، فرآیندی بود که طی آن بشر به تدریج به رشد و کمال دینی و اخلاقی رسید. این شیوه نزول، متناسب با ظرفیت‌های هر دوره از تاریخ بوده و پیام‌های الهی را به صورت مرحله به مرحله به بشریت منتقل کرده است تا به تدریج زمینه‌های پذیرش و عمل به آن‌ها فراهم شود.

۴-۲-۳. تشریح تدریجی احکام

تشریح تدریجی احکام در اسلام یکی از اصول حکیمانه‌ای است که برای تطابق بهتر با جامعه و آماده‌سازی تدریجی آن برای پذیرش احکام الهی به کار گرفته شده است. نمونه بارز این روش در مسئله تحریم شراب قابل مشاهده است. شراب که یکی از ریشه‌دارترین رفتارهای اجتماعی در عصر جاهلیت بود، در چند مرحله و با توجه به شرایط و ظرفیت مردم، به تدریج تحریم شد.

مرحله (۱) معرفی شراب به عنوان زیان‌آور: در آیه ۲۱۹ از سوره بقره، خداوند درباره شراب و قمار از پیامبر پرسیده می‌شود و پاسخ این است که: «فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ، وَ إِثْمُهُمَا أَكْبَرُ مِنْ نَفْعِهِمَا.» در این مرحله، خداوند به مردم یادآوری می‌کند که اگرچه ممکن است



شراب و قمار منافع ظاهری داشته باشند، اما زیان و گناه آن‌ها بسیار بیشتر از نفع آن‌هاست. این رویکرد ابتدایی، هدفش آگاه‌سازی جامعه از ضررهای این دو رفتار بود و هنوز حکم قطعی تحریم صادر نشده بود.

مرحله ۲) محدود کردن استفاده از شراب در مواقع خاص: در آیه ۴۳ از سوره نسا، خداوند می‌فرماید: «لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَىٰ» در این مرحله، استفاده از شراب به هنگام نماز به‌طور خاص ممنوع شد. این آیه نشان می‌دهد که مستی با عبادت و ارتباط معنوی با خداوند منافات دارد و از مؤمنان خواسته شد که در هنگام مستی از نماز خواندن خودداری کنند. این گام به تدریج مردم را برای ترک شراب آماده کرد و آن‌ها را به این واقعیت نزدیک کرد که مصرف آن ناپسند است.

مرحله ۳) تحریم قطعی و صریح شراب: در مرحله آخر، در آیات ۹۰ و ۹۱ سوره مائده، خداوند به‌صورت صریح و قاطعانه دستور به اجتناب کامل از شراب و قمار می‌دهد: «إِنَّمَا الْحَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ، فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ». در این آیات، شراب و قمار به‌عنوان عمل شیطانی معرفی می‌شوند و اجتناب از آن‌ها به‌عنوان شرط رستگاری ذکر می‌شود. به‌علاوه، خداوند بیان می‌کند که شیطان از طریق شراب و قمار قصد دارد میان مردم دشمنی و کینه ایجاد کرده و آن‌ها را از یاد خدا و نماز باز دارد.

این روند تدریجی در تشریح تحریم شراب نشان‌دهنده حکمت الهی است که برای ریشه‌کنی یک عادت و رفتار اجتماعی نهادینه‌شده، ابتدا جامعه را آگاه می‌سازد، سپس محدودیت‌هایی اعمال می‌کند و در نهایت حکم نهایی و قطعی را صادر می‌نماید. این شیوه تدریجی، فرصتی فراهم می‌کند تا افراد به تدریج برای پذیرش حکم آماده شوند و مقاومت کمتری در برابر آن داشته باشند. این روش به افراد امکان می‌دهد تا به‌مرور آماده پذیرش



احکام شوند و جامعه را از یک عادت ناپسند به سوی ترک کامل آن سوق دهد (با استفاده از:

مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۵، ص ۷۲؛ طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۶، ص ۱۷۴)

۴-۲-۴. دعوت تدریجی انبیای الهی

تدریجی بودن شیوه هدایتی انبیای الهی یکی از اصول اساسی در دعوت الهی است که بر مبنای حکمت و تطبیق با شرایط اجتماعی و فرهنگی مخاطبان صورت می‌گیرد. قرآن کریم در بسیاری از موارد به سیره و روش هدایتی انبیای الهی اشاره کرده است. این روش در دعوت بسیاری از انبیای الهی به چشم می‌خورد که از باب نمونه به دو مورد اشاره می‌شود:

(a) دعوت تدریجی حضرت پیامبر اکرم (ص)

در مطالعه سیره تبلیغی نبی مکرم اسلام دیده می‌شود که دعوت ایشان به تدریج توسعه یافت و از دایره نزدیکان و خویشاوندان آغاز شد و به مرور به همه جهانیان رسید. به صورت کلی سه مرحله در دعوت پیامبر اسلام وجود دارد:

مرحله اول: آغاز دعوت با خویشاوندان نزدیک: در ابتدای دعوت، پیامبر اکرم (ص) مأمور شد تا نزدیکان و عشیره خود را از حقایق دین آگاه سازد. در آیه ۲۱۴ سوره شعراء آمده است: «وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ» (شعراء/۲۱۴). علامه طباطبایی در تفسیر این آیه می‌گوید: خداوند به پیامبر دستور داد که بعد از برپایی اصل دعوت، ابتدا از عشیره و قوم خود آغاز کند. این مرحله ابتدایی برای آماده‌سازی و ایجاد ارتباط نزدیک‌تر با مخاطبان اولیه بود. پیامبر نیز طبق این دستور عمل کرد و ابتدا خویشاوندان خود را به پذیرش اسلام دعوت نمود. ایشان وعده داد که هر کس زودتر دعوت او را بپذیرد، جانشین او خواهد بود (ر. ک: طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۶، ص ۱۱۲).



مرحله دوم: گسترش دعوت به اهل شهر و اطراف آن: پس از موفقیت در مرحله اول، پیامبر مأمور شد که دعوت خود را توسعه داده و آن را به اهل مکه و شهرهای اطراف برساند. در آیه ۹۲ سوره انعام آمده است: «وَكَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لِتُنذِرَ أُمَّ الْقُرَى وَمَنْ حَوْلَهَا» (انعام/۹۲) و همچنین در آیه ۳ سوره سجده آمده است: «لِتُنذِرَ قَوْمًا مَا أَتَاهُمْ مِنْ نَذِيرٍ مِنْ قَبْلِكَ، لَعَلَّهُمْ يَهْتَدُونَ» (سجده/۳). در این مرحله، پیامبر دعوت خود را به منطقه‌ای بزرگ‌تر یعنی اهل مکه و اطراف آن گسترش داد و این گام به تدریج دایره مخاطبان را وسیع‌تر کرد (همان).

مرحله سوم: دعوت جهانی: در مرحله سوم، پیامبر مأمور شد که دعوت خود را به همه مردم، فارغ از قومیت و دین، گسترش دهد. در آیه ۱۵۸ سوره اعراف آمده است: «قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا» (اعراف/۱۵۸). این مرحله نشان‌دهنده جهانی شدن دعوت پیامبر اسلام است که محدود به قوم یا گروه خاصی نیست، بلکه شامل تمام انسان‌ها می‌شود (همان).

(b) دعوت تدریجی حضرت ابراهیم (علیه السلام)

حضرت ابراهیم (علیه السلام) گام به گام و به صورت تدریجی با ستاره پرستان، ماه پرستان و خورشیدپرستان پیش می‌آید؛ عقیده به ربّ النوع، آنان را به میدان استدلال می‌کشاند و ضعف یکایک آن‌ها را در ارتباط داشتن دائمی با مخلوقات ادعایی خویش و محکومیت و اسارت آن‌ها در چنگال قوانین طبیعت و متحرک و حادث بودنشان را نشان می‌دهد، تا مردم رشد عقلی بیابند و به خدای یگانه رهنمون شوند.

تحلیل اصل تدریج بر اساس آیات قرآن کریم

دسته‌بندی و تحلیل آیاتی که در زمینه تغییر تدریجی به کار رفته‌اند بیانگر آن هستند که:



۱. اصل تدریج به‌عنوان یک روش مؤثر در نظام تشریح مورد تأکید قرار گرفته است. این روش نه تنها در زمینه مدیریت و تصمیم‌گیری مؤثر است، بلکه در هر نوع تغییر بنیادی که نیازمند اجماع است، می‌تواند به موفقیت دست یابد.
۲. تغییر تدریجی در قرآن اهداف مختلفی دارد. یکی از اهداف اصلی آن، سهولت در پذیرش است. با توجه به اینکه تغییرات ناگهانی ممکن است باعث ایجاد مقاومت در جامعه شود، تغییرات تدریجی این امکان را فراهم می‌کند که مردم به‌آسانی با این تغییرات سازگار شوند. همچنین، نهادینه‌سازی احکام و شرایع در بین مردم از دیگر اهداف این نوع تغییر است. این فرآیند به‌ویژه برای اصلاح فرهنگ جامعه و از بین بردن فرهنگ‌های ناپسند و جایگزینی فرهنگ‌های مثبت مؤثر است.
۳. استفاده از اصل تدریج در بیان احکام و آموزه‌های دینی که نیازمند انجام اعمال است، این امکان را فراهم می‌سازد که با توجه به ظرفیت‌های جسمی، روحی و اجتماعی خود، به تدریج به احکام و دستورات دینی عمل کنند.
۴. تغییرات تدریجی زمانی که در عرصه فرهنگ و با هدف تغییرات فرهنگی باشد، به جلوگیری از بروز شوک‌های فرهنگی و اجتماعی کمک می‌کند. این امر باعث می‌شود که جامعه بتواند به آرامی و بدون تنش به سمت پذیرش تغییرات جدید حرکت کند.
۵. تغییر تدریجی همچنین فضایی مناسب برای آموزش و تربیت دینی ایجاد می‌کند. این امر به مربیان و معلمان این امکان را می‌دهد که به تدریج و با روش‌های مناسب، احکام و دستورات دینی را به افراد جامعه منتقل کنند. این رویکرد به‌ویژه در آموزش جوانان و نسل‌های جدید اهمیت دارد، زیرا آن‌ها به تدریج می‌توانند با مفاهیم دینی آشنا شوند و با اصول دینی زندگی کنند.



در مجموع می‌توان این‌گونه بیان داشت که اصل تدریج از منظر قرآن کریم به عنوان یک راهکار مؤثر در ایجاد تحول و تغییرات اساسی اجتماعی و نهادینه‌سازی آن‌ها در جامعه به کار گرفته شده است و این موضوع نشان‌دهنده دقت و درایت در فرایند هدایت دینی است.

۶. مشابهت‌ها و تفاوت‌های اصل تدریج در قرآن کریم با نظریه تصمیم‌گیری

جزئی - تدریجی

با توجه به مطالب مطرح شده در رابطه با نظریه تصمیم‌گیری جزئی - تدریجی و اصل تدریج بر اساس آیات قرآنی، می‌توان گفت که این دو رویکرد دارای شباهت‌ها و تفاوت‌های مشخصی هستند که در ادامه به بررسی آن‌ها خواهیم پرداخت.

تشابهات

پذیرش تغییرات تدریجی به‌عنوان یک رویکرد تحول‌آفرین یکی از وجوه مشترک میان نظریه تصمیم‌گیری جزئی و رویکرد تدریجی قرآن کریم است. نظریه تصمیم‌گیری جزئی - تدریجی بر تغییرات کوچک و تدریجی تأکید دارد و اعتقاد دارد که تصمیم‌گیری‌ها باید به‌صورت پیوسته و با اصلاحات جزئی انجام شود. این رویکرد با توجه به نازل شدن تدریجی احکام قرآن، به‌ویژه در زمینه‌های اجتماعی و قانونی، همخوانی دارد. این روش به مردم زمان پیامبر کمک کرد تا به تدریج تغییرات را بهتر بپذیرند و در عمل پیاده‌سازی کنند.

در هر دو رویکرد، توجه به شرایط و محدودیت‌های موجود مورد تأکید قرار می‌گیرد. در نظریه تصمیم‌گیری جزئی - تدریجی، تصمیم‌گیرندگان به محدودیت‌های اطلاعات و زمان توجه کرده و تغییرات را بر اساس وضعیت کنونی اتخاذ می‌کنند. قرآن کریم نیز احکام و قوانین را به تناسب وضعیت و شرایط زمانی و مکانی نازل کرده است تا به تدریج مردم را به



سمت اصلاحات هدایت کند. این رویکرد به شرایط مختلف مردم توجه کرده و بر اساس آن تغییرات را به وجود می‌آورد.

تأکید بر پیوستگی نیز از دیگر تشابهات این دو رویکرد است. در نظریه تصمیم‌گیری جزئی - تدریجی، تصمیمات به‌طور پیوسته و با توجه به تغییرات جزئی پیش می‌روند و سیاست‌ها با اصلاحات کوچک ادامه می‌یابند. قرآن کریم نیز به‌طور پیوسته به آموزش و اصلاح جامعه پرداخته و احکام جدید به تناسب نیازها و شرایط زمانی به تدریج نازل شده‌اند.

تفاوت‌ها

اما در عین حال، این دو رویکرد تفاوت‌های معناداری نیز دارند. یکی از این تفاوت‌ها هدف نهایی تغییرات است. در نظریه تصمیم‌گیری جزئی - تدریجی، هدف اصلی ارائه راه‌حل‌های عملی و سازگار با محدودیت‌های موجود است و تغییرات عمدتاً در راستای حفظ وضعیت موجود و انجام اصلاحات تدریجی انجام می‌شود. در مقابل، رویکرد تدریجی قرآن کریم بر اصلاح جامعه و هدایت آن به سمت اصولی تأکید دارد که ممکن است شامل تغییرات بنیادی و اساسی در جامعه باشد. به بیان دیگر، در حالی که قرآن کریم احکام را به‌صورت تدریجی نازل کرده است، این تدریج در نهایت به منظور حذف اعمال ناپسند یا فرهنگ‌های غیر مطلوب انجام می‌پذیرد.

مقیاس تغییرات نیز یکی دیگر از تفاوت‌های این دو رویکرد است. در نظریه تصمیم‌گیری جزئی - تدریجی، تغییرات معمولاً جزئی و محدود هستند و بر اساس اصلاحات کوچک و پیوسته عمل می‌کنند. این رویکرد ممکن است توجهی به تغییرات کلان و بنیادی نداشته باشد و بیشتر به حفظ وضعیت موجود معطوف باشد. در عوض، تغییرات تدریجی در قرآن به‌عنوان گام‌هایی برای رسیدن به تحول‌های بزرگ‌تر در نظر گرفته می‌شود. قرآن بر این باور است که



تغییرات تدریجی می‌توانند به تدریج به تحولاتی اساسی منجر شوند و این فرآیند در راستای دستیابی به اهداف عمیق‌تر و بنیادی‌تر است.

نکته دیگری که در این مقایسه قابل توجه است، محدودیت‌های اطلاعات و زمانی است. نظریه تصمیم‌گیری جزئی - تدریجی به این محدودیت‌ها توجه دارد و بر اساس آن تصمیمات را اتخاذ می‌کند. اما در قرآن کریم، نازل شدن احکام تدریجی به‌طور خاص به نیازهای جامعه و شرایط آن زمان پاسخ می‌دهد، با این حال، هدف نهایی آن هدایت و تحقق اهداف دینی و اخلاقی است که ممکن است شامل تغییرات عمیق و بنیادین باشد.

در نهایت، رویکردهای این دو نیز در پاسخ به تحولات اجتماعی و فرهنگی متفاوت هستند. نظریه تصمیم‌گیری جزئی - تدریجی بیشتر بر تغییرات در سطح سیاست‌گذاری و مدیریت متمرکز است و از تحولات اجتماعی و فرهنگی در سطح کلان کمتر تأثیر می‌پذیرد. در مقابل، قرآن کریم به‌طور مستقیم به تحولات اجتماعی، فرهنگی و اخلاقی می‌پردازد و سعی دارد اصول اسلامی را به‌طور مؤثر و جامع در جامعه پیاده کند.

این مقایسه نشان می‌دهد که اگرچه نظریه تصمیم‌گیری جزئی - تدریجی و رویکرد تدریجی قرآن کریم در برخی جنبه‌ها شباهت دارند، اهداف و فلسفه‌های آنان متفاوت است و هر کدام در زمینه خاص خود کاربرد و تأثیرات منحصر به فردی دارند.

در جدول زیر، تشابهات و تفاوت‌های بین نظریه تصمیم‌گیری جزئی - تدریجی و رویکرد تدریجی قرآن کریم به‌صورت خلاصه بیان شده است.

جدول مقایسه‌ای اصل تدریج در قرآن کریم با نظریه تصمیم‌گیری جزئی تدریجی

عنوان	نظریه تصمیم‌گیری جزئی - تدریجی	رویکرد تدریجی قرآن کریم
پذیرش تغییرات	تأکید بر تغییرات کوچک و	نازل شدن تدریجی احکام برای



تدریجی	تدریجی و اصلاحات جزئی	کمک به پذیرش و پیاده‌سازی بهتر تغییرات
پاسخگویی به شرایط	توجه به محدودیت‌های اطلاعات و زمان و اتخاذ تصمیمات بر اساس وضعیت کنونی	نازل شدن احکام به تناسب وضعیت و شرایط زمانی و مکانی مردم برای هدایت به سمت اصلاحات
تأکید بر پیوستگی	تصمیمات به صورت پیوسته و با توجه به تغییرات جزئی پیش می‌روند	آموزش و اصلاح جامعه به‌طور پیوسته و نازل شدن احکام جدید به تناسب نیازها و شرایط
هدف نهایی تغییرات	ارائه راه‌حل‌های عملی و حفظ وضعیت موجود با اصلاحات تدریجی	اصلاح جامعه و هدایت آن به سمت اصولی که ممکن است شامل تغییرات بنیادی باشد
مقیاس تغییرات	تغییرات عمدتاً جزئی و محدود، تمرکز بر حفظ وضعیت موجود	تغییرات تدریجی به‌عنوان گام‌هایی برای رسیدن به تحول‌های بزرگ‌تر و اهداف عمیق‌تر
محدودیت‌های اطلاعات و زمانی	توجه به محدودیت‌های اطلاعاتی و زمانی به عنوان واقعیت عملی	نازل شدن احکام تدریجی به‌طور خاص به نیازهای جامعه و هدف هدایت نهایی و تحقق اهداف دینی و اخلاقی
پاسخ به تحولات اجتماعی	تمرکز بر تغییرات در سطح سیاست‌گذاری و مدیریت	پرداختن مستقیم به تحولات اجتماعی، فرهنگی و اخلاقی و تلاش برای پیاده‌سازی اصول اسلامی به‌طور مؤثر و جامع



۷. نتیجه

این مقاله بر اهمیت بنیادین تصمیم‌گیری در مدیریت و نقش آن در شکل‌دهی به تغییرات مثبت در سازمان‌ها تأکید دارد. در دنیای پیچیده امروز، تصمیم‌گیری مؤثر به‌عنوان محور اصلی تغییر و تحولات سازمانی شناخته می‌شود و می‌تواند به بهبود عملکرد و ارتقای کارایی سازمان‌ها کمک کند. در این راستا، مدل تصمیم‌گیری جزئی - تدریجی به‌عنوان یک رویکرد کاربردی برای حل مسائل سازمانی و مدیریتی ارائه گردیده است. این مدل بر تغییرات کوچک و تدریجی تأکید دارد و به مدیران این امکان را می‌دهد که با پیاده‌سازی اصلاحات تدریجی، فرآیند تصمیم‌گیری را به گونه‌ای مؤثرتر و معقول‌تر مدیریت کنند.

این نظریه که مبتنی بر تفکر بشری شکل گرفته است، دارای مزایای بسیاری بوده و جایگاه مناسبی را در میان نظریات تصمیم‌گیری به خودش اختصاص داده است، هرچند که نقایص و اشکالاتی نیز برای آن بیان شده است. از همین رو، پژوهشگر این مقاله تلاش کرده است که نظریه یاد شده را با اصل تدریج در نظام هدایتی قرآن کریم مورد مقایسه قرار دهد. اصل تدریج در قرآن نه تنها به‌عنوان یک روش مؤثر در هدایت انسان‌ها معرفی می‌شود، بلکه بر اساس آیات مختلف، به‌عنوان یک اصل کلیدی در فرآیند تغییر و تحول اجتماعی و فرهنگی مورد تأکید قرار می‌گیرد.

با توجه به شباهت‌ها و تفاوت‌های میان اصل تدریج در قرآن و نظریه تصمیم‌گیری جزئی - تدریجی، می‌توان به این نتیجه رسید که این دو رویکرد در عین حال که برخی نقاط مشترک دارند، به‌ویژه در تأکید بر تغییرات تدریجی و پیوسته، از جهاتی نیز با یکدیگر تفاوت دارند. این تفاوت‌ها به‌ویژه ژرفا و وسعت اثرگذاری اصل تدریج در قرآن نمایان می‌شود، به گونه‌ای که این اصل می‌تواند به‌عنوان ابزاری جامع و فراتر از یک مدل مدیریتی صرف، برای هدایت و تغییر در سطوح مختلف اجتماعی و فرهنگی به کار رود.



این مقاله به گونه‌ای تأکید می‌کند که ترکیب آموزه‌های دینی و تجارب بشری در عرصه مدیریت می‌تواند به مدیران و پژوهشگران کمک کند تا در فرآیندهای تصمیم‌گیری خود از یک بستر غنی و چندبعدی بهره‌مند شوند. این هم‌افزایی میان دانش بشری و اصول دینی می‌تواند راهگشای مسیرهای جدیدی در بهبود و پیشرفت پایدار سازمان‌ها و جوامع باشد.



منابع

۱. اعرافی، علیرضا، فتحعلی‌خانی، محمد، فصیحی زاده، علیرضا و فقیهی، علی‌نقی، آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن. قم. انتشارات سمت، ۱۳۹۱.
۲. بختیار نصرآبادی، حسن علی و دیگران، درآمدی بر تعلیم و تربیت و مبانی آن از دیدگاه غزالی، مجله تربیت اسلامی، ش ۴، س ۱۳۸۶ ش.
۳. بهشتی، محمد، آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن، قم، انتشارات سمت، ۱۳۸۰ ش.
۴. پال هرسی و کنت بلانچارد، مدیریت رفتار سازمانی، ترجمه علی علاقه بند، تهران انتشارات اطلاعات، ۱۳۶۷ ش.
۵. جوادی آملی، عبدالله، تفسیر تسنیم، قم، مؤسسه اسراء، ۱۳۹۰ ش.
۶. مطهری، مرتضی، آشنایی با قرآن، قم، انتشارات صدرا، ۱۳۹۹ ش.
۷. رضائیان، علی، مبانی سازمان و مدیریت، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۸۷ ش.
۸. رفیعی، بهروز، فارابی فیلسوف تربیت، مجله علوم تربیتی دانشگاه اهواز، ش ۹۷، س ۱۳۹۲ ش
۹. روحی برندق، کاوس، ابدال، بتول، سجادی، سید مهدی و غروی، نهمه، بررسی اصل تدریج در قرآن مبتنی بر تحلیل و نقد دیدگاه مفسران قرآن، دو فصلنامه علمی پژوهش‌های علم و دین، ش ۲، ۱۴۰۰ ش
۱۰. زمخشری، محمود بن عمر، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، بیروت، دار الکتاب العربی، ۱۴۰۷ ق.
۱۱. شعاری نژاد، علی‌اکبر، فرهنگ علوم رفتاری، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۴ ش.



۱۲. طباطبایی، سید محمدحسین، ترجمه محمدباقر موسوی، تفسیر المیزان، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۴ش.
۱۳. طبرسی، فضل بن حسن، ترجمه نوری همدانی، تفسیر مجمع‌البیان، تهران، نشر فراهانی، بی‌تا.
۱۴. طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار إحياء التراث العربی، (بی‌تا).
۱۵. عباسپور، عباس، شأن تصمیم‌گیری در مدیریت در جستجوی درک مدل‌ها و پارادایم‌های تصمیم‌گیری سازمانی، فصلنامه کمال مدیریت، ش ۲ و ۳، س ۱۳۸۲ش.
۱۶. علاقه‌بند، علی
۱۷. فخر رازی، محمد بن عمر، التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب). بیروت، دار إحياء التراث العربی، ۱۴۲۰ق.
۱۸. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، مرکز نشر آثار علامه مصطفوی، ۱۳۸۵ش.
۱۹. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱ش.
۲۰. الوانی، سید مهدی و شریف‌زاده، فتاح، فرآیند سیاست‌گذاری عمومی، تهران: دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۸۶ش.

۲۱. Braybrooke D. and Lindblom C. E. (۱۹۶۳) A Strategy of Decision: Policy Evaluation as a Social Process. New York: Free Press.
۲۲. Kaufman, H. (۱۹۷۱) Administrative Feedback. Washington: Brookings.



۲۳. Lindblom, C. E. (۱۹۶۵) the Intelligence of Democracy.
New York: Free Press.
۲۴. Lindblom. C.E, (۱۹۵۹) The science of muddling
through. Public administrative Review. Vol ۱۹. p:
۷۹-۸۰
۲۵. Milkovich, M. E. and Gordons, G. J., ۲۰۰۱, “Public
Administration in America”, (۷ Ed), Boston, Bedford,
pp. ۱۲۲.
۲۶. Thomas R. Dye, understanding public policy
,Englewood Chiffs ,Prentice Hall ,۱۹۷۲.



Bibliography

۱. A'arafi, Alireza; Fathali-Khani, Mohammad; Fasihi-Zadeh, Alireza; and Faqihi, Ali Naqi, *Ara-ye Daneshmandan-e Mosalman dar Ta'lim va Tarbiyat va Mabani-e An (The Opinions of Muslim Scholars on Education and Its Foundations)*, Qom: SAMT Publications, ۱۳۹۱ SH (۲۰۱۲ CE).
۲. Abbaspour, Abbas, "*Shan-e Tasim Giri dar Modiriyat dar Jostojou-ye Dark-e Model-ha va Paradigm-ha-ye Tasim Giri Sazmani*" (*The Status of Decision-Making in Management: In Search of Understanding Organizational Decision-Making Models and Paradigms*), Kamale Modiriyat Quarterly, Nos. ۲ & ۳, ۱۳۸۲ SH (۲۰۰۳ CE).
۳. Alvani, Seyyed Mehdi; Sharifzadeh, Fattah, *Farayand-e Siyasatgozari-ye Omoumi (The Process of Public Policy-Making)*, Tehran: Allameh Tabataba'i University, ۱۳۸۶ SH (۲۰۰۷ CE).
۴. Bakhtiar Nasrabadi, Hassan Ali, et al., "*Daramadi bar Ta'lim va Tarbiyat va Mabani-e An az Didgah-e Ghazali*" (*An Introduction to Education and Its Foundations from Ghazali's Perspective*), Islamic Education Journal, No. ۴, ۱۳۸۶ SH (۲۰۰۷ CE).
۵. Beheshti, Mohammad, *Ara-ye Daneshmandan-e Mosalman dar Ta'lim va Tarbiyat va Mabani-e An (The Opinions of Muslim Scholars on Education and Its Foundations)*, Qom: SAMT Publications, ۱۳۸۰ SH (۲۰۰۱ CE).



۶. Braybrooke D. and Lindblom C. E. (۱۹۶۳), *A Strategy of Decision: Policy Evaluation as a Social Process*, New York: Free Press.
۷. Fakhr Razi, Mohammad bin Omar, *Al-Tafsir al-Kabir (Mafatih al-Ghayb) (The Great Commentary: The Keys to the Unseen)*, Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi, ۱۴۲۰ AH (۲۰۰۰ CE).
۸. Javadi Amoli, Abdullah, *Tafsir Tasnim (Tasnim Commentary)*, Qom: Esra Publications, ۱۳۹۰ SH (۲۰۱۱ CE).
۹. Kaufman, H. (۱۹۷۱), *Administrative Feedback*, Washington: Brookings.
۱۰. Lindblom, C. E. (۱۹۶۵), *The Intelligence of Democracy*, New York: Free Press.
۱۱. Lindblom. C.E, (۱۹۵۹), *The Science Of Muddling Through*, Public administrative Review. Vol ۱۹.
۱۲. Makarem Shirazi, Naser, et al., *Tafsir-e Nemouneh (The Exemplary Commentary)*, Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyah, ۱۳۷۱ SH (۱۹۹۲ CE).
۱۳. Milkovich, M. E. and Gordons, G. J., ۲۰۰۱, “*Public Administration in America*”, (۷ Ed), Boston, Bedford.
۱۴. Mostafavi, Hassan, *Al-Tahqiq fi Kalimat al-Quran al-Karim (Research into the Words of the Noble Quran)*, Tehran: Center for Publishing the Works of Allameh Mostafavi, ۱۳۸۵ SH (۲۰۰۶ CE).
۱۵. Motahhari, Morteza, *Ashna'i ba Quran (An Introduction to the Quran)*, Qom: Sadra Publications, ۱۳۹۹ SH (۲۰۲۰ CE).



۱۶. Paul Hersey and Kenneth Blanchard, *Modiriyat-e Raftar-e Sazmani (Organizational Behavior Management)*, Translated by Ali Alaqaband, Tehran: Ettela'at Publications, ۱۳۶۷ SH (۱۹۸۸ CE).
۱۷. Rafiei, Behrouz, "*Farabi, Falsaf-e Tarbiyat*" (*Farabi, the Philosopher of Education*), Journal of Educational Sciences, Ahvaz University, No. ۹۷, ۱۳۹۲ SH (۲۰۱۳ CE).
۱۸. Rezaeian, Ali, *Mabani-ye Sazeman va Modiriyat (Principles of Organization and Management)*, Tehran: SAMT Publications, ۱۳۸۷ SH (۲۰۰۸ CE).
۱۹. Rouhi Barandeq, Kavous; Abdal, Batoul; Sajjadi, Seyyed Mehdi; and Gharavi, Nahleh, "*Barrasi-ye Asl-e Tadrij dar Quran Mobtani bar Tahlil va Naqd Didgah-e Mofasseran-e Quran*" (*Examining the Principle of Gradualism in the Quran Based on Analysis and Criticism of Quranic Exegetes*), Semi-Annual Journal of Research in Science and Religion, No. ۲, ۱۴۰۰ SH (۲۰۲۱ CE).
۲۰. Sha'ari-Nejad, Ali Akbar, *Farhang-e Oloum-e Raftari (Dictionary of Behavioral Sciences)*, Tehran: Amir Kabir Publications, ۱۳۶۴ SH (۱۹۸۵ CE).
۲۱. Tabarsi, Fazl bin Hassan, Translated by Noori Hamadani, *Tafsir Majma' al-Bayan (The Commentary of the Collection of Expressions)*, Tehran: Farahani Publications, n.d.
۲۲. Tabatabai, Seyyed Mohammad Hossein, Translated by Mousavi Hamadani, Seyyed Mohammad Baqer, *Tafsir al-Mizan (The Exegesis of al-Mizan)*, Qom: Islamic Seminary of Qom, Office of Islamic Publications, ۱۳۷۴ SH (۱۹۹۵ CE).



۲۳. Thomas R. Dye, *Understanding Public Policy*, Englewood Chiffs , Prentice Hall , ۱۹۷۲.
۲۴. Tusi, Mohammad bin Hassan, *Al-Tibyan fi Tafsir al-Quran (The Clarification in Quranic Exegesis)*, Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi, n.d.
۲۵. Zamakhshari, Mahmoud bin Omar, *Al-Kashaf 'an Haqaiq Ghawamid al-Tanzil (The Revealer of the Realities of the Mysteries of Revelation)*, Beirut: Dar al-Kitab al-Arabi, ۱۴۰۷ AH (۱۹۸۷ CE).